وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم - سال اول - شماره سوم - دوشنبه ۲۷ عقرب ۱۳۸۱ - ۱۳ رمضان المبارک ۱۴۲۳ - ۱۸ November 2002

رمضان در سخنان پیامبر صلی الله علیه وسلم

از ابو عطیه روایت شده است که گفت:

من و مسروق به نزد عایشه رضی الله عنها داخل شدیم، مسروق به وی گفت: دو نفر از اصحاب محمد صلی الله علیه وسلم هستند که هیچ کدام شان در انجام خیرکوتاهی نمی کنند، یکی ازآنان در ادای نماز مغرب وافطار عجله می کند ودیگری نماز مغرب وافطار رابه تأخیر می اندازد. وی گفت: کدام یک در نماز مغرب وافطار عجله می کند. گفت عبدالله- یعنی ابن مسعود رضی الله عنه - وی گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم این گونه عمل می کردند.

ما برخلاف کسانی که بادستگاه های استخباراتی کار می کردند بر این عقیده بودیم که انقلاب را درسطح بین المللی مطرح کنیم



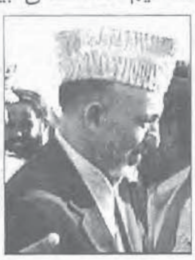
استاد برای جمع غفیری از فرهنگیانی که به مناسبت نخستین سالروز شهادت سرور آزادگان احمدشاه مسعود به کابل آمده بودند، دردفتر مرکزی جمعیت اسلامی افغانستان ضیافتی ترتیب داده بود ودر آن جمع، سخنانی مبسوط پیرامون بسیاری از مسائل کشور ایراد کردند. از آن جایی که این سخنرانی پهلوهایی از مواضع جمعیت را در قبال اوضاع کنونی و استراتیژی وشیوهٔ کار این سازمان در گذشته و حال روشن می سازد، نشر آن را در صفحات مجاهد، سودمند می پنداریم. بخش نخست این گفتار در شماره اول به چاپ رسید و اینک بخش دوم آن تقدیم خوانندگان می شود .

سیاست خارجی ما در دوران جهاد

ما به این عقیده بودیم که انقلاب و جهاد را از سطح ارتباط با کمیشنرها و صوبه دار ها باید بکشیم و انقلاب را به سطح دنیا وبه سطح بین اللملی مطرح کنیم. کسانی بودند که مخالف این شیوه بودند. این البته یک بحران بود ، وقتی که مجاهدین در زمان ریاست جمهوری آقای ریگن به امریکا دعوت شدند، دیگران نمی خواستند به آمریکا بروند،ولی من رفتم. در آنجا (پیشاور) یک جریان بسیار افراطی گری ویا تشدد گرایی وجود داشت که هر کسی با امریکا روابط می داشت او را به نام مرتجع می خواندند، بر خلاف این همه حرفها من به آمریکارفتم و گفتم کسانی هستند ص۲

حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان در مصاحبه با اسوشتید پرس :

اکثر وزارت خانه ها به پشتونها تعلق دارد



حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان سه شنبه گذشته ۲۴ عقرب طی مصاحبه اختصاصی با خبر گزاری اسوشتید پرس گزارش های مطبوعات در مورد تقسیم افغانستان بین اقوام را رد نمود.

رئیس دولت اظهار نمود که افغانستان کشور متحد و یکپارچه است، بین پشتون وتاجیک تقسیم نشده است. در کابینه وزیران هر قوم وجود داشته و اکثر وزارت خانه ها به ملیت اکثریت پشتون مربوط است.

حامد کرزی افزود: تبلیغ و سایل ارتباط جمعی مبنی براینکه تاجیکها بر پشتونها حمله می کنند غیر عادلانه و بدور از

مصطفی مشهور مرشد عمومی اخوان المسلمین در مصر درگذشت

مصطفی مشهور مرشد عمومی اخوان المسلمین روز شنبه ۲۶ عقرب در شهر قاهره درگذشت. در حالی که جنازهٔ او از سوی بیشتر از چهل هزار نفر مشایعت می شد دریکی از گورستانهای شهر قاهره به خاک سپرده شد.

مصطفی مشهور که سالیانی دراز از عمرش را در زندان و تبعید سپری کرده بود به خردمندی و تحمل و اعتدال پسندی شهرت داشت و از محبوبیتی گسترده درمیان خاصه وعامه برخوردار بود.

پس از مرگ مصطفی مشهور مأمون الهضیبی یکی از اعضای دفتر مرکزی اخوان به عنوان سرپرست دفتر ارشاد این سازمان وظایف او را به دوش گرفته، اما مرشد عمومی به صورت رسمی تا هنوز انتخاب نشده است .





در محفل تجلیل از۲۲ عقرب سالروز سقوط طالبان

مارشال فهیم :

ملت ما بانبرد بی امان ومقاومت بی نظیرش ثابت ساخت که تن به خواری وذلت نمی دهد

محمد یونس قانونی :

طالبان در افغانستان به هیج قوم دین و سمت ومذهبی تعلق نداشتند

در صفحات داخل می خوانید:

دسید کرم ستونزه دې په وطني دود او دستورحل شي

دعقرب په شلمه ځينو نړيوالو خبري سرچينو اعلان کړه، چي اما ن الله ځدران په لنډمهاله اداره کي دسرحداتو وزير اود پاچا خان ځدران ورور دسيد کرم ولسوالي له دولتي ځواکونو څخه ونيوه.

په داسي حال کي چي څه موده وړومبي د دفاع وزارت يو مقام ويلي و، چي دپاچا خان ځواکونه دومره نه دي چي مونږ ته ګوا بن وي؛ بلکي د دوه اونيو په موده کي به هغه تارومار کړو.

اوس که دا پورته ځرګندوني له يوبل سره په اړه تر غور لاندي ونيسو، پايله تري اخستل کيږي چي واقعيت اصلاً بل شي دی. ايا هلته ددولتي ځواکونو ضعف دي اويا دا چي څه نوري لاري چاري شته چي دغسي حالات زيږوي ؟ ۶مخ

مامورین ناتو:

ناتو در افغانستان نقش رسمی را به دوش خواهد گرفت

قرار است سران کشور های عضو پیمان ناتو در هفته آینده در پراک پایتخت جمهوری چک دایر گردد.

این اجتماع سران به پیمان صلاحیت می دهد تا به آلمان و هالند که رهبری نیروهای ایساف را در افغانستان به دست می گیرند، کمک نماید.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چاراهی زنبق
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹
دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹

سرمقاله

۲۲ عقرب سالروز رهایی از سیاهی و ستم

یک سال پیش در چنین روزی برج و بار حاکمیت ستم گستر طالبان والقاعده در کابل فروریخت. این فروریزی کاخ سیاه رژیم طالبان تحولات ودگردیسی هایی بزرگ را به دنبال داشت که سرنوشت کشور و مردم مارا شدیداً دچار تحول کرد. زمانی که تلاشهای پیگیر دشمنان منطقه یی و بین المللی افغانستان در طی چندین سال در سقوط دادن دولت اسلامی کارگر نیفتاد طالبان در برایند توطئه و توافق این دشمنان به وجود آمدند وبا حمایت گستردهٔ این دشمنان تقویت شدند و درپنج میزان ۱۳۷۵ کابل را اشغال کردندو مجاهدان به رهبری وفرماندهی استاد برهان الدین ربانی رئیس دولت اسلامی وسپهسالار شهید مسعود بزرگ در برابر آنان به مقاومت پرداختند.

طالبان پنج سال واندی با سیاه کاری و سیاه اندیشی بر ملت و میهن ما وآیین همه مسلمانان جهان، اسلام رهایی بخش ستمی فراوان رواداشتند؛ مردمان را کشتند، وباغها وکشتزار ها را آتش زدند، و تبعیض نژادی را به گستردگی ترویج کردند، وزنان وکودکان برخی از جایها رابه حراج گذاشتند ودروازه های آموزش و پرورش را بستند، وزنان را از آموزش وکار محروم کردند و.. وبه سخن خدای حرث ونسل را به تباهی کشانیدند. فریادهای داد خواهانه و انسانی مردم ما وسردارشان احمد شاه مسعود مبنی بر خطری بزرگ بودن طالبان برای جهان به دلیل این که با مصالح استراتژیک قدرتمندان همسویی نداشت ناشنیده ماند و مردم افغانستان در زیر ساتور ستم طالبان تنها گذاشته شدند. تا آن که حادثهٔ یازدهم سپتامبر در ایالات متحده آمریکا به وجود آمد وهشدار های سردارآزادگان به جهانیان که روزی آتش افروخته طالبان در افغانستان شما را هم فراخواهد گرفت، تحقق پذیرفت.

جهان ودر رأس آن ایالات متحده آمریکا در انتقام از طالبان والقاعده نیروهای خودرا بسیج کردند، نیروهای ائتلاف بین المللی بدون مشارکت نیروهای دولت اسلامی می خواست طومار طالبان را در هم پیچد وبه عوض آنان حکومتی راغیر از مجاهدین جای نشین کند، وچنین در نظربود که این بار کابل به جای این که به دست نیروهای مجاهدان در افتد به قبضه کسانی دیگر از جنوب بیاید. اما عملیات و بمباردمانهای ائتلاف بین المللی در طی بیشتر از یک ماه در فروپاشاندن حکومت طالبان ومراکز القاعده نتیجه یی مطلوب بار نیاورد و تلاشهای نه چندان گستردهٔ درونی هم از سوی طالبان عقیم شد. ناگزیر ائتلاف بین المللی به نیروهای رزم آزمود مقاومت روی آورد. مجاهدان و ائتلاف بین المللی بر ضد دشمن مشترک وارد عرصه عمل شدند، مجاهدان در اندک زمانی پایگاههای طالبان والقاعده را در شمال کشور ودر شمال کابل تصرف کردند وبر در وازه های شهرکابل قرار گرفتند. طالبان تاب مقاومت نیاوردندو از کابل به جنوب فرار کردند، مجاهدان در ۲۲ عقرب ۱۳۸۰ وارد کابل شدند، آنان به رغم گمانهای نا صواب نه تنها بر انحصار قدرت سیاسی تاکیدی نکردند که به همه خواسته های جامعهٔ بین المللی باهمه ملاحظاتی که برآن داشتند برای دست یافتن به صلح و ثبات و امنیت ورفاه برای مردم پاسخ مثبت دادند وبرای بسیاری از کسان که نه رنجی از جهاد در برابر اتحاد شوروی و کمونیسم را دیده و نه مرارتی از مقاومت در برابر طالبان و تروریسم را چشیده بودند، زمینهٔ فرمانروایی وحکومتداری را فراهم آوردند. مجاهدان با این کار ثابت کردند که می توانند بیشتر از دیگران در عرصهٔ حکومتداری وسیاست از خود گذری کنند وبرای منافع کلان ملی و میهن از جایگاه ومقام خویش در گذرند.

اما در میان به مقام رسیدگان آمده از باختر کسانی وجود دارند که نه با تکیه بر مردم وارزشهای اصیل تاریخی ، فرهنگی آنان با اتکا بردیگران و ارزشهای آنان ، جزتا ختن بر اصالت فرهنگی دینی مردم و کاستن از مقام مجاهدان راستین و جهاد رهایی بخش شان هنری ندارند، ومی خواهند بار دیگر همان تجربه تلخ و پربهای کمونیستان را به گونه یی دیگر تکرار کنند، تجربهٔ یی که با اصرار بر آوردن آیدئولوژی و فرهنگ غیر وزدودن ازرشهای خودی فاجعه یی آفریدند که تا امروز دنباله آن ادامه دارد.

مابه این باوریم که باید از تهٔ دل به ارزشهای جامعهٔ مدنی و نظام دموکراسی و مردمسالاری حرمت بگذاریم وبه نام وفاداری به این ارزشهای والا سلیقه های مستبدانه و نا هنجار خود را تحمیل نکنیم، واز ایجاد بحرانهای تازه اجتناب ورزیم.

ما برخلاف کسانی که بادستگاه های استخباراتی کار می کردند...

که تمام کارشان را در خانه های تاریک با دستگاه های استخباراتی انجام می دهند. انقلاب ما باید از خانه های تاریک واز جریان های استخباراتی بر آید وبا پست زعامت های - سیا سی در سطح جهان مطرح باشند. همان بود که من بر خلاف خواست حکمتیار که بسیار هیاهوی را به راه انداخته بود به آنجا رفتم والبته تبلیغاتی هم برضد من انجام شد، لیکن این کار یک حرکت مفید بود. در آن زمان ما می گفتیم که در روابط افغانستان با دنیای خارج در نظر داشته باشیم که قطب بزرگی با اتحاد جماهیر شوروی است وقطب دوم جهانی با امریکایی هاست. ما باید از این قطب بندی جهانی به سود انقلاب وجهاد مان استفاده کنیم.

و این سیاست البته به شکل گفتگو ها دوام داشت.

در سطح ملی

ناگفته نماند که جمعیت چنان که بعضی ها فکر می کنند تنها سازمان تاجیک ها نیست. شما می بینید که در بزرگترین ولایت های پشتو زبان ما، مراکز بسیار اساسی جمعیت وجود دارد.در ولایت کنر تقریباً نود در صد (۹۰٪) برادران صافی و مومند وشنوار مربوط به جمعیت هستند. قندهار یک ولایت بسیار عمده است ، وقتی در سال ۱۳۷۱ به دست مجاهدین سقوط می کند بزرگترین قوماندان آن ، قوماندان قول اردوی قندهار ملا نقیب الله می شود وفعلاً هم که قندهارسقوط کرده است قوماندان قول اردو جوانی است که در جبهه جهاد و مقاومت همراه مابود،خان محمد، و در پکتیا و در مناطق مختلفی البته جمعیت حضور خودرا داشت.

وقتی دولت تشکیل شد، در تشکیل دولت هم بسیار هیاهوی و غوغا از سوی افراد و جهت هایی به راه افتاد که حکومت تنها به دست طایفه تاجیک هاست واین حکومت جمعیتی هاست، در حالی که تقریباً قسمتی اعظم مسؤولان حکومت برادران دیگری بودند.

پست های قاضی القضات و معاون قاضی القضات از حرکت انقلاب اسلامی بود و صدر اعظم از برادران پشتون بود، وزیر خارجه ووزیر داخله ووزیر معارف اینها اکثر تقریباً وزیرانی بودند که از برادران پشتون بودند. تنها وزارت دفاع از جمعیت بود. به خاطراین که غیر از انجنیر شهید کسی دیگری وجود نداشت که عملاً بتواند کار دفاع را بدوش داشته باشد.

او(انجنیر مسعود شهید) حتی مسووولیت وزارت دفاع را با دل نا خواسته قبول کرده بودو این مسووولیت بر او تحمیل شده بود. درانتخاب رهبری جمعیت به ریاست دولت رهبر ها در ان جا (در پشاور) نشستند ودر آنجا کسی دیگری در میان آنان نبود. آنان به فیصله خود شان گفتند که برای انتقال قدرت برای دوماه صبغت الله خان باشد وبعد از آن برای چار ماه به حیث اولین رئیس دولت، رهبر جمعیت مسؤولیت را به دوش داشته باشد و بعد از این که لویه جرگه یا شورای حل و عقد دایر شد در لویه جر گه موضوع ریاست دولت فیصله شد. تصور من این است که لویه جرگه ویا شورای حل وعقدی که ما داشتیم در تاریخ افغانستان کم نظیر بود، به این معنا که اپوزیسیون خودشان کمیسیون ها را تعیین کردند و ولایت به ولایت رفتند. با حضور تنها یک نماینده از جمعیت وده نماینده ازگروه های دیگر، اینها رفتند ولایت به ولایت انتخابات کردند، تا آنها همه امضاء نمی کردند نماینده آمده نمی توانست .یک چیز بسیار دلچسپ که در این مورد باید گفته شود این که وقتی هیأ ت ۵۴ نفری مردم قندهار آمدند اعتراض کردند که در این ۵۴ نفر، زعمای قبایل شامل نیستند و ۵۴نفر دیگر از قبایل یعنی از هر قوم چند چند نماینده با ما آمده اند، بعد از بحث و بررسی ما فیصله کردیم که خیر، اینها هم به صورت فوق العاده پذیرفته شوند.

من یقین دارم در وقت رأی گیری همین مردمان جنوب برخلاف کسانی که می گویند جنوب شرکت نداشت- اکثریت قریب به اتفاق شان آمدند و خود شان رأی دادند.

ما حتی در دوران مشکلات حکومتداری از حقوق زنان و تعلیم و تربیه وجایگاه آنان در جامعه حمایت کردیم، مسایلی که امروز از آنها حرف زده می شود مانند حقوق زن و آزادی مطبوعات،دردوران اقتدار ما یک سلسله کار هایی باوجود مشکلات وجنگ دراین موارد صورت می گرفت، که من فکرمی کنم بعضی ازآنها ناگفته مانده است

موقف ما در باره زنان

ما حتی در دوران مشکلات حکومت داری از حقوق زنان و تعلیم و تربیه وجایگاه آنان در جامعه حمایت کردیم، مسایلی که امروز از آنها حرف زده می شود مانند حقوق زن و آزادی مطبوعات دردوران اقتدار ما یک سلسله کار هایی باوجود مشکلات وجنگ دراین مورد صورت می گرفت، که من فکر می کنم بعضی از آنها ناگفته مانده است، مثلاً یک روز ما در ریاست جمهوری بودیم هیأت بزرگی از علماء و کلان های قوم برادران پشتون به ریاست آقای مولوی ذاکری- که بعدها به حیث یکی از رهبران وتیوریسن های طالبان شد- آمدند. آنها در حدود سه صد نفر بودند و گفتند که استاد ربانی به پشتو گپ بزنیم و بعداً شروع کرد: " استاذ ربانی ! زمونر دمذهب امام، امام اعظم دی، نوهغه تاجیک دی . او زمونر پخوانی علماء تاجکان دی، اوته زمونر سیاسی امام یی."

امام مذهب ما امام اعظم که او تاجک است او را قبول داریم و خودت را که تا جک هستی به عنوان رئیس جمهور دایم العمر قبول می کنیم، هیچ چیز از تو نمی خواهیم ، مگر یک شرط داریم دیگرهرچیزی که می گویی، در پشت سرت ایستاد می شویم. تمام اقوام جنوب همگی با توست.

گفتم بگویید، شرط تان چیست؟ گفت : " دا تگولی شگحگی چی دی دفاترو نه وباسه، زنا نه مکاتب تگول بند کوه"، زنها را از دفاتر بکش و مکاتب زنانه را بسته کن دیگر هیچ چیزی از تو نمیخواهیم.

من گفتم حاجی صاحب! من مسلمان هستم و عالم دین هم هستم، بیایید بحث شرعی می کنیم ، اگر شما دلیل شرعی داشتید خوب، من گپ شمارااجرا می کنم، اگر دلیل شرعی نداشتید پس درست نیست که فلان شود و فلان شود...

گفت: به لحاظ خدا، عذر می کنیم پیشت، گفتم: قطعاً نمی خواهم . گفت: "بیا پشگیما نیای" باز پشیمان می شوی. گفتم قطعاً درست نیست ، چگونه آن زن محروم و بیچاره را که شوهرش مرده، چند پول به عنوان معاش می گیرد و معلم یا ماموره است اورا از کار بر طرف کنیم، ویا دختران را از درس محروم کنیم.

گفت: پس با شما جنگ می کنیم. گفتم خوب هر چه که شود، شود. باز آمدند عذر کردند وباز قاطعانه این خواست شان را رد کردم در ان شرایطی که اگر حکومت های مقتدر هم می بودند یک بهانه می کردند که خیر حالا جنگ است، وکشمکش است. برای چند وقت دروازه مکتب های دختران بسته شود. اما ما از این شیوه هیچ وقت استفاده نکردیم. ارزش دینی و حقوقی را که دفاع از یک طبقه محروم است قربانی هیچ چیز نکردیم و برای شان گفتم که ما باید در وازه های تعلیم وتربیه رابروی دختران بسته نکنیم. ص۸

برکات رمضان

شیر محمد موفق

روزه آن فریضهء مقدس است که در سال دوم هجری بر مسلمانان واجب گردیده است. خداوند (ج) میفرماید:

ای مؤمنان روزه بر شما واجب گردید چنانکه واجب شد برکسانیکه پیش از شما بودند تا متقی و پرهیزگار شوید.

از فحوای آیهٔ مبارکه بخوبی معلوم می شود که روزه در عروج روحی مسلمانان و آراستن ایشان به زیور تقوی نقش بسزایی دارد. چه مسلمان عقیده دارد هر ماموریتی که بردوش وی گذاشته شده است خالی از حکمت نبوده و خداوند اجر وی را محفوظ می دارد.

پیامبر (ص) میفرماید:

کسی که رمضان را از روی ایمان واخلاص روزه بگیردگناهان گذشته اش بخشیده می شود.

طبرانی روایت می کند: وقتیکه رمضان فرا رسید، پیامبر(صلی الله علیه وسلم) فرمودند: ماه مبارکی در رسید و یقینا خداوند از فیوضات و برکات آن شما را برخوردار ساخته و رحمت خویش را فرو می فرستد، از تقصیرات و لغزش های تان می گذرد و دعای تان پذیرفته می شود. همچنین آن حضرت(صلی الله علیه وسلم) میفرماید: چون رمضان در رسد دروازه های بهشت باز و دروازه های دوزخ بسته می شود و شیطان ها به زنجیر کشیده می شوند.

از سلمان فارسی روایت است که پیامبر(صلی الله علیه وسلم) در آخرین روز شعبان چنین فرمودند: ماه بزرگ و خجسته ای در پیشروست، درین ماه شبی وجود دارد که از هزار ماه بهتر است، روزه داشتن این ماه فریضه ای است که باید انجام داد، قیام شب هنگام آن عبادت نفلی است، هرکسی که به اعمال نیک توصل جست به مثابهء آن است که فریضه ای را در ماه های دیگر انجام داده باشد و اگر به انجام فریضه ای مبادرت ورزد مثل آن است که هفتاد فریضه ای را در غیر رمضان انجام داده باشد.

ماه صبر و شکیبایی است و پاداش آن بهشت است، ماه ترحم و دلجویی است، ورزق و روزی انسان فزونی می یابد، و اگر به روزه داری افطاری دهد مایهء مغفرتش می گردد.

اصحاب گرامی در محضر مبارک عرض نمودند که یا رسول الله: در میان ما افرادی سراغ می شوند که این توانایی را ندارند، آن حضرت(ص) فرمودند: تقدیم یک جرعه آب و یا یک دانه خرما اجر وی را کاملاً فراهم خواهد نمود.

ده روز اولش رحمت، و ده روز میانه اش مغفرت، و ده روز آخری اش سبب رستگاری وفلاح وباعث نجات ازدوزخ خواهد گردید.

متوجه باشید تا در رمضان به دو شیوه عادت بگیرید: مغفرت بخواهید و لااله الا الله بگویید، و از دوزخ پناه بجویید.

هستند کسانی که ظاهراً روزه دارند ولی در واقع روزهء شان چندان فروغی ندارد، موسیقی می شنوند، از شطرنج و قطعه ابا نه می ورزند، غیبت می کنند، دروغ می گویند و اعمالیکه منافی روحیهء عبادت است، انجام میدهند.

پیامبر (ص) میفرماید: کسیکه سخن دروغ و عمل به آن را ترک نکند خداوند به ترک خوردن و آشامیدنش نیازی ندارد.

اگرچه خود داری از منکرات و اعمال نا شایسته در هر حالت و همهء موارد یک امر کاملاً ضروری است، مگر در رمضان جداً متوجه باید بود، زیرا عواقب آن نا میمون و زیانش مضاعف است.

روزه دار مکلف است تا زبان و سایر اعضای وجودش را از مخالفت ها، دشنام و امثال آن اکیداً نگهدارد. پیامبر (ص) میفرماید: هرگاه روز روزهء یکی از شما باشد، دشنام نداده و صدا بلند نکند و اگر کسی او را دشنام داد و یا با او جنگ نمود، بگوید که: من روزه دارم.

کوشش کنیم تا درین ماه بیش از پیش مصدر خیر شده، بر فقراء ومساکین ترحم و دلسوزی و آنها را از تکدی و سوال تا حدی مستغنی سازیم.

به خاطر باید داشت که شب قدر را فراموش نکنیم، شب قدر که از هزار ماه بهتر است، در همین ماه است، شب قدر بر سایر شب ها مزیت و برتری خاصی داشته، طاعات و عبادات و نیایش ها بزودی مورد اجابت قرار می گیرد، اعمال وزن خاصی دارد، اعمالی که دراین شب به وقوع می پیوندد بر اعمالی که طی هزار ماه صورت گیرد فزونی دارد و اجرش بیشتر است. البته در صورتیکه شب های قدر ازآن منفی گردد.

رسول الله (ص) میفرماید: کسیکه شب قدر را از روی ایمان و اخلاص به عبادت احیا کند، گناهان سابقه اش بخشیده می شود.

در تعیین این شب اقوال مختلفی موجود است که ذیلاً ارائه می گردد:

برخی برین عقیده اند که شب قدر در شب های طاق ده آخر رمضان میسر خواهد گردید، اما نظر راجح این است که شب بیست و هفتم شب قدر خواهد بود.

مستحب است که مسلمان دراین شب این دعا را بخواند:

اللهم إنک عفو تحب العفو فاعف عنی.

این بود اندکترین معلوماتی که در باره برکات وآداب رمضان ارائه گردید، در فرجام از بارگاه الهی استدعا میکنم تا صیام و قیام ما را با همه قصور و نارسایی ها قبول نماید و ملت رنجدیدهء افغانستان را در زیر رایت اسلام خوشبخت و سعادتمند سازد.

نوشته دکتر یوسف قرضاوی

حقیقت توحید

ایمان به خدا پایهٔ کلیه اعتقادات

ترجمهٔ واقف حکیمی

وجود خدای متعال حقیقتی است که در آن شکی راه ندارد، بل آن حقیقت علی الاطلاق و روشن ترین حقیقت هاست، که فطرت سلیم بدان شهادت داده و خرد راهیاب به دان رهنمونی کرده است، و دانشمندان راسخ با مشاهدهء شگفتی های ابداع و برابری و نظم و تناسب و رهنمونی در نهاد پدیده های خلقت در آفاق و انفس به دان (یعنی وجود باری تعالی) تأکید ورزیده اند.

ایمان به خدا – یعنی ایمان به ذات غیبی و بلند مرتبت و مختار و غالب، که سزاوار طاعت وعبادت است– روح دین است هر دینی که باشد، و آن روح آیین اسلام و اساس همهء اعتقادات آن نیز است و این امر را قرآن کریم وسنت پیامبرش علیه الصلاه والسلام روشن ساخته است.

قرآن کریم زمانی که از پایه های ایمان و مسایل مربوط به آن بحث می کند ایمان به خدا را در رأس آنها و به عنوان پایهء اساسی آنها قرار می دهد. طوری که می فرماید: **(آمن الرسول بما أنزل إلیه من ربه و المؤمنون، کل آمن بالله و ملائکته و کتبه ورسوله)** "پیامبر به آنچه از سوی پروردگارش به وی نازل شده است، ایمان آورد و مومنان نیز، همه به خدا و فرشتگان و کتاب ها و پیامبرانش ایمان آوردند".(۱)

و می فرماید: **(...ولکن البر من آمن بالله والیوم الآخر والملائکه والکتاب والنبیین)** (۲) "...ولی نکوکار آن است که به روز قیامت و فرشتگان و کتاب و پیامبران ایمان آورد."

(یا أیها الذین آمنوا بالله ورسوله والکتاب الذی نزل علی رسوله والکتاب الذی أنزل من قبل، ومن یکفر بالله وملائکته وکتبه ورسله والیوم الآخر، فقد ضل ضلالاً بعیداً) (۳) "ای مومنان به خدا و پیامبرانش و کتابی که فروفرستاده است بر پیامبر خویش، و آن کتاب که قبل از این نازل کرده است، ایمان آورید، و هر که به فرشتگان، کتاب ها و پیامبرانش و روز واپسین کفر ورزد پس مسلماً در گمراهی بعیدی گمراه شده است". و پیامبر گرامی در حدیث مشهور که در آن جبریل ایشان را مورد پرسش قرار می دهد، دربارهء ایمان چنین پاسخ می دهند: **(الإیمان: أن تؤمن بالله وملائکته وکتبه ورسله والیوم الآخر، وبالقدر خیره وشره)** "ایمان آن است که: به خدا و فرشتگان و کتابها و پیامبرانش و روز واپسین و به قضا و قدر چه خیرش و چه شرش ایمان و باور داشته باشی".

بناً ایمان به خدا اصل است، وسایر ارکان عقیدهء اسلامی وابسته و تابع آن، تو بعد از آن که به خدا جل شأنه ایمان می آوری، سپس به فرشتگان و کتاب ها و پیامبرانش و به دیدار خداوند و حساب و قضا و قدرش ایمان می آوری، ایمان به همهء این ها ناشی از ایمان به خدا و مبتنی بر آن است. ایمان به فرستاده بدون ایمان به فرستنده غیر قابل تصور است، و همچنان ایمان به جزا و حساب، بدون ایمان به پاداش دهنده و حساب کننده امکان نه دارد.

ایمان به خدا، لزوماً متضمن ایمان به وجود وی و ایمان به وحدانیتش در ربوبیت و الوهیت... و ایمان به نام های نکو وصفت های برتری که او را به همه کمالات شایسته اش موصوف می سازد و از هر نقصی مبرا می سازد، می باشد.

و از بررسی بالا بر ای ما روشن گردید که: وجود خدای متعال حقیقتی است که در آن شکی راه ندارد، بل آن حقیقت علی الاطلاق روشن ترین حقیقت هاست، که فطرت سلیم بدان شهادت داده و خرد راهیاب بدان رهنمونی کرده است، و دانشمندان راسخ با مشاهدهء شگفتی های ابداع و برابری و نظم و تناسب و رهنمونی در نهاد پدیده های خلقت در آفاق و انفس بدان – یعنی وجود باری تعالی - تأکید ورزیده اند.

واگر این حقیقت بزرگ برای برخی از مردم پنهان مانده به علتی بوده است از قبیل این که گفته اند: از فرط آشکاری و پنهانی چنین شده است.

و اگر کسانی از ندای فطرت که در نهاد همهء افراد بشر به صورت مشترک وجود دارد، سرباز زدند و در برابر منطق، خرد و دانش عناد ورزیدند و از وجود خدای تعالی انکار کردند، آنان به مثابهء افراد شاذ و نادری اند که موجب اثبات این قاعده هستند، نه نفی آن.

تأکید اسلام بر عقیدهء توحید

راستی اسلام به دلیل آن که ایمان به وجود باری تعالی به عنوان یک امر ضروری در اعماق فطرت انسانی ریشه دارد، بر آن تأکید فراوان نمی کند، ولی نهایت ترکیز و تأکید را بر عقیدهء دیگری دارد که مردم در مورد آن به گمراهی شدیدی مبتلا شده اند و آن عبارت از عقیدهء توحید است که لب لباب عقاید اسلامی را می سازد، و روح مسلمانی ایمان به وجود خدای بزرگ یگانه یی است فوق این هستی، که خلق و امر از آن اوست و باز گشت همه به سوی او و او پروردگار همه چیز و مدبر همهء امور است، و تنها او شایسته آن است که پرستش شود و انکار نه گردد، و سپاس گزاری شود و نه کفران، و فرمانبرداری شود ومورد عصیان قرار نگیرد. **(ذلکم الله ربکم، لا اله الا هو، خالق کل شیء فاعبدوه، و هو علی کل شیء وکیل، لا تدرکه الأبصار و هو یدرک الأبصار وهو اللطیف الخبیر)** (۴) "این ذات (که به دین صفت ها موصوف است) خدا است، پروردگار شما، نیست هیچ معبودی سزاوار پرستش مگر او، آفریدگار همه چیز است، پس او را بپرستید، و او بر همه چیز نگهبان و متولی است، چشم ها او را در نه یابد و او چشم ها را دریابد و اوست مهربان و آگاه".

ادامه دارد

عبدالصبور "غفوری"

مناظره با روح ملکوتی سپهسالار شهید

احمد شاه مسعود نور الله مرقده ومثواه

الا ای سپهدار آزاد گان
مقامی توبالاست در دو جهان
ترا زاد فطرت به آزادگی
شکوه و جلالت به ایستادگی
بروز مصاف همچو شیر دلیر
بریدی ره بیشه و صد کوپر
تنت زینت آراء ببربیان
غریوت طنین خیز هندوکشان
به بام جهان چون علم کوفتی
به خصم زبون آتش افروختی
همه دشمنان بی سروپا شدند
به دستور بیگانه یکجا شدند
فراهم نمودند هیمه چنان
دو صد لعنت حق به هیزم کشان
دراین کوره بیجا چرا سوختیم؟
ز تاریخ برگی نیاموختیم
سر افگند دژخیم در خواجه غار
دگر فتح اشکاشمت یادگار
ز آزرم تو دشمن بی حیا
لجوجانه بر خلق کردی جفا
مراپا سخی زانکه سرگشته ام
به صدق و وفای تو دل بسته ام
جوابم چنین گفت سالار راد
علمدار پیغمبر اندر جهاد
بگفتا مرا زاد مادر به این
خدا را شناسم به علم الیقین
به مادر وطن پاسداری کنم
به حفظ وطن جان نثاری کنم
کنم خدمت از بهر خلق خدا
نباشد مرا بیش ازاین مدعا
لوای محمد بر افراختم
به دشمن دلیرانه برتاختم
کمر بستم و زه نمودم کمان
ملبس به خفتان و برگستوان
زیغما گران بر کشیدم دمار
سر افراز گشتم به قوم و تبار
بر افراشتم پرچم حرٌیت
نماندم به محدودهٔ ملٌیت
مرا نیست فرق سیاه وسپید
نباشم ز کردار خود نا امید
منم خصم طاغوت و مستکبرین
منم دافع و یار مستضعفین
قسم مرخدایی که اش بنده ام
کنم پاس ناموس تا زنده ام
اگر یک وجب خاک از میهنم
بماند، بمالم بجان و تنم
چنین عشق دارم به این سرزمین
بخونم کنم ذره هایش عجین
دهم جان شیرین بیاد وطن
نیازی ندارم به غسل و کفن
بلوح مزارم زآزادگان
خصوصاً مراثی ز غمدیدگان
نگارید و ماتم به مرگم مگیر
منم بیشه پرورده و شیر گیر
شهیدم سریچه است مأوای من
شهیدان شنوند آوای من
بسی رنج بردم به رزم و جهاد
خدا اجر ما را به محشر دهاد
درود "غفوری" به "مسعود راد
به حفظ وطن جان شیرین بداد

نایل، لاجورین شهری

زندگی چیست؟!

تنگناییست زندگی که در آن
می توان ساکت و صبور افتاد
بعد یک عمر محتضر ماندن
در دل دخمهٔ عبوس آن
می توان دردمند و حسرتناک
سرد و سنگین و بی تفاوت مرد

فرشتهٔ مهربانی من

ترا ازبر خواهم کرد
ای فرشتهٔ مهربانی من!
ای مسافر دریازاد،
که به ساحل خو نٌ می گیری،
شاید، فردا دیر باشد.
وقتی کشتی بی بادبان تو
از مرز آخرین افق دریای خیال من
گذر کند؛
همه چیز چهرهٔ ترا خواهد یافت
همه چیز
چهرهٔ ترا
خواهد یافت.
آنک!
تمام دریاها به رنگ توست
و تو به رنگ دریا ها.
دریا ها را از بر خواهم کرد؛
ای فرشتهٔ تمام ناپذیر عشق من
شاید، فردا دیر باشد.
وقتی ازدریا کناران
به خلوت ابدی خویش برگردم
باور خشکیدهٔ کویر، از باران آبی تو
بارور خواهد شد.
-باران:
قاصدکان دوستی دریا
بردشت های سوخته-
اینک! او
بال در بال امواجی که
در تلاقی آب و آفتاب
می درخشند؛
به سوی ابدیت راه می سپارد؛
پروازی بدین گونه فراتر از مرز نگاه من.
آسمان ها را از بر خواهم کرد؛
و نگاه ستارگان، ستارگان را
که نشانی از اوست.
شاید، فردا دیرباشد.

☆☆☆

جاده هابه کدامین فرجامی منتهی می شوند؟
آغاز و انجامی یگانه
وهجرت، فقط درنیمه راه تجربه می شود
بی گمان
فردا در تقاطع مشترک عشق،
در دور
دور
دور
یک دیگر را
دیدار خواهیم کرد

۱۹ میزان ۱۳۸۱

ف-م-فایض

نه پوهیږم!

نه پوهيږم چي رڼا راځي که درومي!
پوه ورکه تمنا راځي که درومي!
د امید دښار کوڅي مي آبادیږي
دیاسوئو کربلا راځي که درومي!
چي دځپل زړګي دي وران بازارته ګورم
څه به وایم چي خندا راځي که درومي!
له شفقه مي سرخي دوینو لاړه
زیږ بخن غوندي سبا راځي که درومي!
نه ددین نه دسادین شوو څه به کیږي
چي به هغه که به دا راځي که درومي!
په صحرا دبوربو کیو اتڼ جوړ دي
ورته نوي ماجرا راځي که درومي!
مايي فیض ته چي لمن وه غوړولي
حماسه د "الأ الله" راځي که درومي!
حدي خوان دزماني دوړوکي ورک شو
خداي خبر دي چي به بیا راځي که درومي!

شعر آزاد نیمایي

بخش سوم

محمد اسحاق فایز

اوزانـي کـه نـیما در اشعارش بـه کـار گرفـت بـر گرفـته از اوزان عروضـي کلاسـیک بـود منـتهي نـیما بـا بـه کارگـیري افاعـیل عروضـي در مصـراع هـاي شـعرهایش مسئله تعـادل مصـراع هـا را از لحـاظ ایـن افاعـیل در هـم شکسـته و بـه ایـن ترتیـب مصـراع هـاي شعر هـاي او گـاهي بـا یک افاعیل و گـاهي بـا چند افاعـیل آغاز مي شـد کـه از جهـت همیـن شکسـتگي، ایـن عـروض جدیـد را بـه عـروض شکسـته یـا نیمایي هم یاد کردند.

ایــن قــاعدهٔ در هــم شکسـتگي تسـاوي مصـراع هـا از لحـاظ تعـداد افاعـیل در واحد شـعر(واحـد شـعر در اشعار سنتي کلاسـیک مصـرع اسـت) در حقیقـت بـه شـاعر مجـال مـی دهـد تـا اندیشـه هـایش را بـا آزادي زیادتـر بگویـد و مطلـب شـاعر قـرباني تـنگي قافیه ها و درگـیر تسـاوي مصـراع هـا از لحاظ وزني نماند.

در شـعر نـیمایي (آزاد) شـاعر مطـابق بـه قـریحه و توانـایي هـایش در اداي مطلـب مـي توانـد مصـراع هـاي شـعرش را کوتـاه یـا دراز بیاورد ولـي اصل رعایــت وزن همیشــه مطمـح نظـر است و شاعر نمي تواند از آن عـدول کـند بـا در نظرداشت ایـن نکـته کـه ممکـن اسـت شـاعران نـو پـرداز بـه شـیوهٔ نـیمایي نـیز از اوزان اصـلي و یـا زحافـات آن در سـرایش اشعارشان کار گیرند.

نکـتهٔ خـیلي مهـم در شـعر آزاد (نیمایـی) ایـن اسـت کـه شـاعر در ایـن شـیوه قالـبي از پـیش سـاخته و پرداخـته نـدارد تـا در آن ایـده هـا و اندیشـه هـایش را بگویـد درحالـی که در شـیوه هـای سـنتي شـاعر مـثلاً مـی خواسـت در قالـب غـزل و یـا در مشـنوي مکـنونات و عواطـف و احساسـات خـود را بـاز گـو کـند. از ایـن نظـر کـار شـاعر نـیمایي از شـاعر سـنتي مشـکل تـر و پیچـیده تـر است زیـرا شـاعر نیمایـی مجبور است بـراي ادامـه نظـریاتش بـه زبان شـعر قالـبي بسـازد وبعـداً در آن قالـب بـه بـیان نظـر و اندیشه و تصوراتش بپردازد.

بـه گونـه خلاصـه چـند ویـژگي را مـي تـوان بـراي شعر آزاد یا نیمایي برشمرد:

شـاعر نیمایـی دیـدي جدیـد و تـازه ونگرشـي نـو به زندگي و اشیای طبیعت دارد.

شـاعر نیمایـی تجربـیاتش را از زندگـي بـه گونـهٔ مسـتقیم باز گـو مـي کـند و حـتي خصوصیت هـاي فـردي و محـیطي شـاعر در شـعر او انعکـاس مـي یـابد و ایـن یکـي از ویـژه گـي هـاي بارز شعر آزاد (نیمایی) مي باشد.

شــاعر نیمایــی زبــان و شـیوهٔبیان نـو را در شـعر هـاي خــود بــه کــار مــي بــرد. تصویرســازي واســتفاده از امکانــات وســیع زبــان وآوردن ترکیــب هــاي نــو کــه تعابــیر و تصـویرهاي نـوي را در کـنار دارد هـم همـه در اختـیار شاعر است و شـاعر بـه ایـن طـریق مـي کوشد دیدگـاه هـاي خـود را از زندگـی طبیعت و جامعه تبارز بدهد.

شـاعر نیمایـی بـا تـلاش و ابـداع در قالـب و وزن شـعر نـیز نـو آوري مـي کـند گویا یکي از ممـیزات بـزرگ شـعر نیمایـی همیـن تـنوع و گزیـنش قوالـب خـاص در اوزان عروضـي بـا شـیوه جدیـد اسـت کـه آن را از شعر سنتي جدا مي کند.

کوتـاه و بلـند بـودن مصراع هــا در شــعر نــیمایي از مشخصـات عمـده دیگـر ایـن شیوه مي باشد.

ایـنک بـریده یـی از یک نمونه خـوب شـعر آزاد (نیمایـی) ازمهـدي اخوان ثالث رامی خوانیم:

زمستان

سلامت را نمي خواهند پاسخ گفت،
سرها در گریبان است
کسـي سـربر نمیارد کرا پاسخ گفتن
و دیدار یاران را
نگه جز پیش پا را دید نتواند،
که ره تاریک و لغزان است،
دگر دست صحبت سوي کسي یازی،
به اکراه آورد دست از بغل بیرون
که سرماسخت سوزان است.
:
سلامت را نمي خواهند پاسخ گفت.
هـوا دیگـر، درهـا بسـته، سرها در گریبان ها دست ها
پنهان
نفس ها ابر، دلها خسته و غمگین،
درختان اسکلت هاي بلور آجین،
زمیني دلبرزه، سقف آسمان کوتاه،
غبار آلوده مهر و ماه
زمستان ست.

ادامه دارد

زن درافغانستان قبل ازاسلام

وحيد مژده

قسمت سوم

براي درک تاثيرات اجتماعي نفوذ يونان بر باختر لازم است بصورت مختصر وضع اجتماعي و موقعيت زن در نظام اجتماعي يونان قديم را مورد بررسي قرار دهيم تا تاثيرات آن بر حيات اجتماعي افغانستان قديم مشخص گردد.

در يونان قديم خانواده وايجاد وبقاي آن تابع مذهب وسلطهء پدر خانواده و نيز ناشي از عنوان رياست مذهبي بوده است. مذهب در يونان قديم مانند روم قديم، خصوصي و مربوط به هر خانواده بود. به اين معني که هرخانواده روح نياکان خود را پرستش مي کرد. بنا بر اين مذهب روميان ويونانيان قديم داراي دو خصوصيت بود. يکي تعدد خدايان و ديگري محدود بودن آن به حدود هر خانواده.

هرپدر خانواده تا زنده بود انسان و به محض اينکه مي مرد در رديف خدايان مورد پرستش باز ماندگان قرار مي گرفت و اگر کسي در يک خانواده، خدايان خانوادهء ديگري را پرستش مي کرد کافر و مشرک شمرده مي شد.

دختر به اين علت که با ازدواج از خانواده جدا مي شد و بايد در خانواده شوهر خود خدايان مخصوص آن خانواده را پرستش کند مورد علاقه افراد خانواده خود نبود.

در يونان قديم ازدواج امر مذهبي و مقدس بود زيرا شوهر به زن بيگانه يي اجازه مي داد تا بر اسرار مذهبي خانوادهء وي واقف شده و خدايان خانگي وي را بپرستد و به اين ترتيب در (ناموس) خانواده شريک گردد.

ناموس کلمهء يوناني و در اصل به معني شريعت و قانون است و در معاني ديگري چون آداب و رسوم و اسرار نيز بکار مي رود. اينکه در يونان قديم زن بعد از ازدواج و شامل شدن در جمع خانوادهء شوهر واقف بر اسرار مذهبي خانواده مي شد بعد از مرگ شوهر نيز بخشي از ناموس خانواده بشمار مي آمد و مجبور بود حتي برخلاف ميل خود با يکي ديگر از اعضاي خانوادهء شوهر ازدواج نمايد. اين ارزش هاي نظام اجتماعي مذهبي يونان حتي بعد از ظهور اسلام نيز بنام عنعنات قومي در برخي از نقاط کشور ما باقي ماند در حاليکه اينها ارزش هاي نظام اجتماعي يونان قديم است که سربازان اسکندر به شرق آوردند.

در حقوق يونان و روم قديم قرابت و خويشاوندي رسمي جز بين مرد با مرد وجود نداشت يعني زن با زن از نظر حقوقي خويشاوند تلقي نمي شدند حتي اگر با هم خواهر هم مي بودند، به همين ترتيب خواهر و برادر با هم خويشاوند حقوقي نبودند و فقط خويشاوند طبيعي بشمار مي رفتند و ارث پدر نيز فقط به خويشاوندان حقوقي مي رسيد، بنا بر اين زن از ارث محروم بود. افلاتون و پلوتارک مي گويند: قرابت رسمي و حقوقي بين افراد ذکوري وجود دارد که اشتراک در پرستش يک مذهب داشته باشند. هرگاه دو مرد در پرستش به حد مشترکي برسند، قرابت حقوقي با هم دارند.

با مرگ اسکندر مقدوني امپراتوري بزرگ وي بسرعت تجزيه شد، ولي تاثيرات طرز فکر يوناني بر جامعهء باختر باقي ماند. بعد از تجزيه امپراتوري اسکندر قدرت جديدي اين بار از هندوستان قامت بر افراشت و آن امپراتوري (موريا) بود. هرچند امپراتوري موريا نفوذ کوتاه وزودگذري بر افغانستان قديم داشت و در باختر دولت (يونانوباختری) تاسيس شد ولي در همين مدت کوتاه مبلغين مذهبي، مذهب بوديزم را در شرق آريانا انتشار دادند که بعداً شمال باختر را نيز فرا گرفت و به اين ترتيب زمينه براي تلفيق عناصر فرهنگي، هنري و عقيدتي باختر از يکطرف و هنر و فرهنگ و دين بودائي با آثار هندي خود از جهت ديگر فراهم آمد که اين دوره را (گريکوبوديک = يوناني بودايي) مي خوانند.

از آثار باستاني مربوط به اين دوره ميتوان دريافت که صنعت و هنر راه تکامل را پيموده است. مجسمه هاي ساخته شده درين عصر ظرافت و زيبائي خاصي را دارد. در نقش هاي کنده شده بر روي پارچه هاي عاج که از بگرام بدست آمده، طرز لباس زنان آنوقت باختر را ميتوان بوضاحت تشخيص داد و در نقش هاي بدست آمده از هدهء جلال آباد که جمعي از نذر دهندگان معبد را نشان مي دهد با وضاحت از خطوط چهره و طرز لباس برخي ميتوان ديد که در ميان آنان زنان با چادر هاي بزرگ و پيراهن هائي که به نصف ساق پا مي رسد و تنبان هائي که در بند پا چين خورده و بسته شده است، ديده ميشوند و اين طرز لباس هنوز هم در کشور ما معمول است.

از آنچه که گفته آمديم نتيجه مي گيريم که آريائي هاي قديم در عهد تمدن ويدي و اوستائي در مقايسه با تمدن هاي يونان و روم به زن به ديدهء احترام و قدر مي نگريسته اند که بعداً با هجوم جهانگشايان به باختر يک سلسله عادات و رسوم هخامنشي ها و يوناني ها در ميان مردم باختر نفوذ نمود و عادات و رسوم قديم را دگرگون ساخت و به مرور زمان شکل عادت را بخود گرفت و چون دوام اين دوره ها طولاني بود چنان در انديشه ها ريشه يافت که خارجي بودن وبيگانه بودن آنها فراموش گرديد.

با رسيدن دين مقدس اسلام به اين خطه، رسوم و عاداتي که مغاير با اصول و تعاليم اين دين بود مردود شمرده شد. اما بعضي از اين باورها از جمله رسوم و عاداتي که مغاير با حقوق مشروع زن از نظر اسلام بود در بعضي از مناطق همچنان حفظ گرديد. مثلاً محروم دانستن زن از حق ميراث (در حاليکه اين حق براي زن در قرآن ثابت است) يا وادار نمودن زن به ازدواج اجباري که اسلام با آن مخالف است.

مشکل بزرگ در کشور ما اين است که در بسياري از موارد مردم، از تعاليم واقعي دين خود بي خبر اند و آنچه را که از اجداد به آنان رسيده است. مقدس مي شمارند. در حاليکه اگر آنرا با معيار تعاليم ناب اسلام بسنجند در خواهند يافت که اين رسوم نه رابطه يي با دين دارد و نه عادات قديم اين مرز و بوم است. آداب و رسوم يونان قديم و هخامنشي ها و هند قديم است که قبل از اسلام به باختر آمده و تا کنون نفوذ خود را حفظ کرده است.

زدست غيرننالم چراکه همچو حباب همیشه خانه خراب هواي خويشتنم

صائب تبريزى

درجستجوی راه

قسمت سوم

خواجه بشيراحمد انصاري

ستايش زور:

ما همه کارها را درهرجائي که هستيم مى خواهيم از راه زور انجام دهيم وزور را آسانترين وكوتاهترين راه تحقق اهداف خويش ميدانيم . ما به زور وقدرت عشق مي ورزيم وصاحب زور را صاحب حق هم مي دانيم واورامي‌ستاييم.

صفحات تاريخ ما بيشترش به زور مندان تخصيص يافته است تا به قهرمانان عرصه ء سخن ،دانش وهنر دركشمكشهاي سياسي همين كه ديديم كفهء ترازو يكطرفه شد دركنار پيروز جا ميگيريم وبرايش شعار ميدهيم وگلوپاره ميكنيم همانطوري كه دربازي هاي ورزشي ومرغ جنگي وسگ جنگي ها . . .براي برنده كف مي زنيم .

بازى هاي پسنديده ماهم همان بازي هائي است كه خشونت وخون اساس آنرا تشكيل مي دهد .سگ جنگي ، مرغ جنگي، بودنه جنگي، خرجنگي ،گاوجنگي و. . .بازي هاي رايج درجامعه ء ماست .

ماهميشه مايليم بت بتراشيم ودرسايه اش زندگي كنيم . اگر درقريه هستيم ازارباب بت مي‌سازيم ، اگر درمدرسه هستيم ملاي زورگورا تعريف ميكنيم ،اگر درجبههء جنگ ودفاع هستيم فرمانده هرقدر وحشي ودرنده وديوانه بود بيشتربرايش احترام مي كنيم . خلاصه اينكه درعرف اجتماع ما ،زور نسبت به هرچيز ديگري بيشترخريدار دارد.

افتخار به اصل ونسب عادت ديگر ماست . اگر ستارهء هتلر درخشيدن گرفت نسب خودرابه او وصل ميكنيم واگر يهوديها چيره شدند خود را از قوم بني اسرائيل معرفي مي‌نماييم وشجرهء نسب خويش را از زير انبار قرون واعصار بيرون مي كشيم واگر اعراب مسلمان تسلط حاصل كردند نيمي ز ساكنان كشور ما سيد واولاد پيامبر ميشوند .

ماهميشه ازافتخارات گذشتگان خودلاف مي‌زنيم وبااين عمل دو هدف رانشانه ميگيريم :يكي از كسب افتخارات جديد خاطر خودرا راحت ميكنيم .دوم : غرور وخود بلندبيني خودرا اشباع مينمائيم .

بي نظمي:

بي نظمي خصوصيت ديگر ماست .مادرهيچ كار خود نظم رامراعات نمي نمائيم .ما كه وجود خداوند راÇز راه نظم وترتيب آفرينش "برهان نظم"ثابت مي سازيم كوچكترين بهره اي ازين قانون نداريم . مانماز مي گذاريم وروزه ميگيريم وحج مي رويم ونظم را درهمهء اين عبادات بوضوح مي بينيم ولي بازهم نظم گريز هستيم .كارهاي مادرخانه ومحيط كار ودرس و . . .كاملا بانظم بيگانه است . ازقانون بدمان مى آيد وآزادي رامترادف باياغيگري وسركشي مي دانيم .

هيچ كار هدفمندي بدون نظم انجام نمي يابد . بي نظمي دركارها روشن ترين دليل بيماري است زيرا بيماري را اختلال نظم بدن واعتدال مزاج تعريف كرده اند . آن كه بي نظم است قبل ازهمه خودرا آسيب پذير مي سازد ، مثال كسي كه مخالف روال نظم سيرمي كند به پرزه يي مى ماند كه مخالف حركت ماشين سيرمي كند ونابود مي شود .

توجه به آراستگي‌ظاهر:

ظاهر پرستي واعتنا به قشر، كه روي ديگر نفاق است عرصه هاي مختلف حيات مارا رنگ بخشيده است . درحالي كه نان براي خوردن نداريم كوشش ميكنيم ثروت هنگفتي راصرف وسايل خانه نمائيم . هرچيزي كه مد شد به زود ترين فرصت آنرا بدست مي آوريم . درحالي كه دروازه دفاتر كمك رساني بشري راماهانه احوال ميگيريم ولي كوشش ميكنيم فرش قيمتي وموتر گرانبهائي زير پاداشته باشيم وفخر فروشي كنيم .

از اسماء ومسميات ديني به حد مبالغه آميز آن استفاده ميكنيم . اگر حزبي ساختيم بايد درسمبلش بجاي يك چيز همه رموز ديني از قرآن گرفته تامحراب ومنبر وآيات واحاديث مختلف وهلال وشمشير ومسجد وكعبه ومقولات ديني. . .را بگنجانيم ولي درعمل بي دين ترين مردم باشيم واگر به سخنراني دعوت شديم بايد خطبه طويل وعريضي ار زمزمه وبا قلقلهء خاصي قرائت كنيم ولي هدفي جز خود نمائي وكوبيدن حريف. . ..ديگر چيزي نداشته باشيم .

افراط وتفريط :

افراد را به اساس ظاهر شان بشناسيم واحترام كنيم . افراط وتفريط بيماري ديگر جامعهء ماست . مادركارهاي خويش باافراط را پيشه ميكنيم ويا تفريط را . اگر دوستي ميكنيم هيچ عيبي دردوست مان نمي يابيم واگر دشمني ميكنيم بايد هفت پشت دشمن راÇز صحنهء روزگار برداريم . اگر كمونست هستيم بايد خون خوار تر از استالين باشيم واگر مسلمان هستيم بايد خليفه مسلمين ماباشيم وآنچه را تحمل نميتوانيم بردوش خويش ميگذاريم .نه دردين داري خويش حد اعتدال را مراعات ميكنيم (كه اعتدال جزء دين است) ونه هم دربي ديني خود . اگرسنتي هستيم محافظه كاري ما حدي را نمي شناسد واگر غرب زده هستيم حتي بيماري معدهٔ غربيها رابراي خود شفابخش مي دانيم .

درآزادي طلبي ودرظلم پذيري درهردوياافراط ميكنيم ياتفريط . اگر باروسيه دوستي كرديم عشق به روسيه را معيار وطن پرستي مي‌دانيم . (چنانچه ببرك گفته بود) واگر شعارانترناسيوناليزم اسلامي رابلند كرديم طوق غلامي همسايه هارادرگردن خويش مي آويزيم .

عدم اعتراف اشتباه وگناه :

عدم اعتراف به اشتباه وگناه كه يگانه ضامن خود سازي واصلاح وتزكيه است درما وجود ندارد . مابراي توجيه گناهان فرد وخطاهاي ملي دست به توجيه مي زنيم واز هيچ متن مقدسي درين راه صرفه نمي نمائيم . اگر شهري را بخاك يكسان كرديم ، اگر هزاران انسان مظلوم را ازبين برديم ،اگر بادشمنان دين وملت دست دوستي داديم ، اگر هموطنان خويش رافداي منافع بيگانگان نموديم ، اگرميراث خون دوميليون شهيد پاكباز رابه جوي فروريختيم ، اگرهمه ارزش هاي ديني وملي خويش را درپاي ديو قدرت فداكرديم ، اگر دربرابر دوربين هاي تلويزيوني دروغ گفتيم ومردم هم فهميدند كه مادروغ ميگوئيم وماهم درك كرديم كه مردم مي فهمند اگر... درهيچ حالتي گناه نكرده ايم وهمه عملكردهاي ما باموازين قبو ل شدهء جامعه كاملا سازگار بوده است ، ماتاهنوز زعيم سياسي اي را سراغ نداريم كه گفته باشد درزندگي اش فقط يك اشتباه را مرتكب شده است .

افراد عادي ما وضع بهتري از زعماي شان ندارند بلكه زير دستاني اند كه شايستگي زعيم بهتر از رهبران موجود راندارند .

اين بود گوشه اي از بيماري هاي استخوان سوز ماكه علت بيشترينه بدبختي هاي ماشده ومابجاي اينكه به اصل علت انگشت بگذاريم درصدد درمان معلول وعوارض آن هستيم .

آنچه درباﻻيادشد جزء قوانين علمي اي است كه در متن انسان وجامعه ومسير وروابط شان وجوددارد،ثابت ولايتغير است . همانطوريكه فيزيك وكيميا ورياضي قوانين ثابت خودرادارند وهمانطوري كه جدول منداليف منظم وحساب شده است به همين منوال قوانيني درجامعهء انساني نيز وجوددارد . جامعه بقول قرآن داراي يك مسلك وراه وسنتي است كه بسان قوانين حاكم برزنده جانها وگياهان دقيق وثابت است وتحولات جامعه به آن مربوط ميشود .

آيا وقت آن فرانرسيده است تاخودرا ولو يكبار درآئينه سنن لايتغير خدا وقوانين ثابت تمدن انساني ببينيم ودراصلاح خويش بكوشيم ، به اميد چنين روزي.

به نزد من آن كس نكوخواه توست
كه گويد فلان چاه درراتوست
هرآنكس كه عيبش نگويند پيش
هنرداند ازجاهلي عيب خويش

وبالله التوفيق وعليه التكلان

د ملی اردو د جوړولو بهیرته یوه کتنه

ع، وطندار

د افغانستان د ملی اردو د جورولو بهیر دیری ستونزی په مخ کی لری. که حه هم دا، تر دیره حده یوه تخصصی موضوع ده او په ترکیب او تخنیکی ارخونویی مسلکی او متخصص منصبوال سه پوهیری، خو په عمومی توگه د ملی اردو د جورست په باب هر دفکر او نظر خاوند، خپل نظر حرگندولای شی.

د افغانستان د ملی اردو د جورست او ترکیب مسألی ته حکه دیرپام په کار دی چی د افغانستان د تیری حلرویشت کلنی غمیزی تاداو د افغانستان په اردو کی دیو شمیر پلورل شویو عناصرو په لاس کیسودل شو، او دا خطر په راتلونکی کی هم وجودلرلای شی. که چیری په دی برخه کی له اغماض او تساهل نه کار واخستل شو؛ نو د راتلونکو تراژیدیو پره به دهغو کسانو پرغاره وی چی لوته په اوبوکی کسیر دی او پری تیریری، یوازی په افغانستان کی نه بلکی په تو له نری کی د اردو له اهمیت نه سترگی نه شی پتیدلای او دهیوادنو سیاسی ثبات تردیره پوری دسالمو اردوگانود منت مرهون گانه شی.

که حه هم چی د خلق او پرچم کمونستی دلو په خپل وخت کی د افغانستان د ملی اردو ماهیت بدل کر او په تیره چی کمونستی رژیم د ملیشه یی حواکونو را منح ته کولو ته اقدام وکر. د اردو نورو قطعاتو او جزوتامونو خپل ماهیت له لاسه ورکر ، خویوشمیر دغرض بهرنیو لاسونو هم د افغانستان د هغی کمزوری اردو په له منحه ورلو کی خپل نقش ولوباوه.

افغانستان دی ته جدی ارتیالری چی په رستنی معنا ملی اردو جوړه کری او په دی توگه خپل پایست، سیاسی ثبات، حمکنی بشپرتیا، ملی واکمنی او سیاسی خپلواکی تضمین کری؛ خو په عمومی توگه د ملی اردو په جورولو کی دلاندی تکو رعایت ضرور بریسی:

۱-کله چی وایو " ملی اردو" نو په دی ترکیب کی باید د"ملی" کلمی رستینی تعریف په پام کی ونیول شی. یعنی دملی اردو په ترکیب کی ددرست ملت حقوق او حضور په پام کی ونیول شی او اردو دحانگرو قومی، ژبنیو، سمتی، سیاسی او د له یزو تمایلاتونه خوندی وساتلای شی، که چیری دملی اردو په جورولوکی دا اصل رعایت نه شی، اردو به "ملی" نه؛ بلکی یو ارخیزه وی او هره شیبه دهیواد سیاسی ثبات گواسلی شی او یوی نارامی ته زمینه برابرولای شی.

۲-ملی اردو باید دپردی پالو عناصرو په لاس کی ورنه کرای شی، سایی په بیرنیو حالاتو کی پردغسی عناصرو اعتماد وکرای شی؛ خو باید هیر نه کرو چی باید دهغو مستقبل دهغوی د ماضی دکروورو په هنداره کی وجاجولای شی.

دغسی افراد هر وخت دیو حه امتیازاتو په بدل کی سازش ته چمتو کیدلای شی، چی دیر سه مثال یی سردار محمد داوود خان دی، نوموری دکمونستانو په وسیله کودتا وکره، له یو حه استثناً آتو پرته یی خپله کابینه له همدغو عناصرو جوره کره، او دیر واره کسان یی دوزارتونو پرکرسیو کسینول چی وروسته بیا همدغو کسانو دهغه د اقتدار تخت رانسکور کر او نوموری یی

بیرنیو حالاتو کی پردغسی عناصرو اعتماد وکرای شی؛ خو باید هیر نه کرو چی باید دهغو مستقبل دهغوی د ماضی دکروورو په هنداره کی وجاجولای شی.

دغسی افراد هر وخت دیو حه امتیازاتو په بدل کی سازش ته چمتو کیدلای شی، چی دیر سه مثال یی سردار محمد داوود خان دی، نوموری دکمونستانو په وسیله کودتا وکره، له یو حه استثناً آتو پرته یی خپله کابینه له همدغو عناصرو جوره کره، او دیر واره کسان یی دوزارتونو پرکرسیو کسینول چی وروسته بیا همدغو کسانو دهغه د اقتدار تخت رانسکور کر او نوموری یی دهغه دکورنی دترشلو زیاتو غروسره وواژه.

۳_ باید پردین او وطن مین منصبوال تول راوغوستل شی او دملی اردو په جورولو کی دهغوی له حضور، پوهی او تجاربونه

قطعی قوماندان دیوه سمت او یوی دلی سری وی، په کار دی چی لاندی افرادیی نور حوک وی، همداسی دی افراد (عسکر یا سرباز) دیوی سیمی، یوی دلی او یا یوه قوم کسان نه وی او مختلط قطعات دی جور کرای شی.

۷- دملی اردو اساس باید په داسی توگه کیسودل شی چی په کرار کرار دپخوانی عنعنوی اردو بنه غوره کری په دی معنا چی افراد دی دمکلفیت ددوری پراساس جلب کرای شی ، که حه هم چی داکار داوس لپاره یوحه ستونزی لری، باید مهاجرین هیوادته راستانه شی،یا راستانه کرای شی او همدارنگه باید کار واختسل شی.

۴- عامو مجاهدینو ته چی په ملی اردو کی دشمولیت ورتیا لری لند مهالی (قصیر المدت)کورسونه جور کرای شی او په دی توگه باید اردو دملی توب ترخنگ د اسلامی توب نه هم برخمنه وی.

حکه اسلامی روحیه داردو یوه حتمی ارتیا ده.

۵- زمور ملی اردو باید پرداسی بهرنی حواک متکی نه وی چی په راتلونکی کی مور ته تری خطر متصور وی.

۶- دعسکری قطعاتو په تشکیل کی دی ملیشه یی اصلونه مات کرای شی، دبیلگی په توگه که دیوی قطعی قوماندان دیوه سمت او یوی دلی سری وی، په کار دی چی لاندی افرادیی نور حوک وی، همداسی دی افراد (عسکر یا سرباز) دیوی سیمی، یوی دلی او یا یوه قوم کسان نه وی او مختلط قطعات دی جور کرای شی.

۷- دملی اردو اساس باید په داسی توگه کیسودل شی چی په کرار کرار دپخوانی عنعنوی اردو بنه غوره کری په دی معنا چی "لیکنه غوَاری او په کار دی چی دافغانستان انتقالی اسلامی دولت د سرحدونو دچارو او اروندو ولایاتو په مرسته ددی مسألی پلتنه او پوستنه وکری، خو داچی زمور بحث پر اردو دی نو په دی برخه کی د اردو اهمیت جوت دی، که چیری مور په دغه دوران کی یوه منظمه ملی اردو درلودلای سایی داکار هیچا هم نه وای کرای، نو پردی اساس که چیری مور دخپل اقتصادی وس په پام کی نیولو سره یوه نسبتاً کوچنی یا متوسطه اردو هم ولرو، خو باید پیاوری اردو وی، چی اساس یی باید همدا اوس کیسودل شی.

به بهانهٔ طرح تسوید قانون اساسی

نایل، لاجوردین شهری

قانون اساسی که مجموعهء رهنمودهای روشمند و مضبوط که شامل تمام امکانات توسعه پذیر امرونهی ها، بایدها و نبایدها، حرمت ها و عدم حرمت هاست و روابط افراد وجامعه و دولت را با مناسبات و وظایفی که در مقابل هم حس می کنند و دارند، به توضیح و تبیین می گیرد.

این قانون که بایستی توسط ارگان تیوریک و مخبر و علمای قانونگذاری نگاشته و تدوین گردد، میتواند به عنوان راه نمود بهتر از لابلای پرابلم های اجتماعی، سیاسی و مشکلات ناشی از مناسبات با همی ملی و حتی بین المللی بر گزیده و شناخته گردد، تا مورد تصویب و عمل قرار گیرد.

آنچه در تدوین و تسوید قانون اساسی کشور و شاید در مقدمهء آن قابل تذکر باشد این است که عنصر "جامعه شناسی" و "مردم شناسی" این قانون که حیثیت وثیقه ملی را دارد و بایستی ظرفیت و امکانات گسترده یی در چار چوب ذهنیت جمعی نویسندگان و تدوین کنندگان را دارا باشد. چون قانون اساسی استراتیژی حیات ملی اعم از زندگی سیاسی و حقوقی، مدنی و فرهنگی و اجتماعی کلیهء اقشار جامعه و حتی طرزالعمل دولت و کار آنرا در برابر یکایک افراد ملت نیز مشخص و معین مینماید، به عبارت دیگر و بدون مبالغه نویسندگان و استراتیژیست های که تکلیف طرح و نگارش آن را به عهده دارند لزوماً از گروه جامعه شناسان، مردم شناسان و ارگانهای تیوریک و فقهای با تفقهی برگزیده می شوند که توان ادراک جامعه و علم چگونگی ساختاری جامعه و عملیهء تکامل امکانات اجتماعی ملی را در گذرگاههای دشوار گذار تاریخ متحول کشور و زمینه ها و زمانه های مختلف، متنوع و متحول را دارند و در ساختمان و تدوین قانون از درک های بزرگ و فهم های آینده نگر و دانش عقلانی بهره گیری صورت خواهد گرفت.

گروهی که دریابند ساختار تحول پسندانه قانون چیست و هریک از مواد و لوایح مدون چگونه از ظرفیت تحول پذیری و تغییر پذیری در راستای زمینه ها و زمانه های متنوع و مختلف برخوردار است، دریابند قانون مدون چگونه رابطهء با کنوانسیون ها، میثاق های مدنی، سیاسی، اجتماعی وفرهنگی سازمان ملل متحد به ویژه اعلامیهء جهانی حقوق بشر بر قرار می کند و چگونگی فهم این مجموعه از میثاق ها، تعهدات و کنوانسیونهای بین المللی نیز بایستی مطمح نظر قرار گیرد. هر یک از اعضای این ارگان بایستی فضای دیموکراتیک ملی را در رابطه با فضای دیموکراتیک جهانی تشخیص دهند و مقولات دیموکراسی، آزادی های شهروندان و سایر مدارهای حقوق مداری را به وضاحات دریافته باشند، در حالیکه از جریان سیر تکاملی نظامهای دیموکراتیک در خارج و سیر تاریخی تکاملی روند دیموکراسی در کشور نیز بایستی اطلاع و آگاهی تام و تمام داشته باشند، وقوف و شناخت از نظم مردم سالارانه و عصری کردن و تمثیل آن در مسودهء قانون اساسی نیز از وظایف مؤکد گروه قانونگذار است.

اقامهء سیاست ملی در رابطه با سیاست خارجی و "ماده های قانونمند" که درین دو راستا در نظر گرفته می شود طبعاً اقتضای خرد بالای سیاسی را از جریانات جهانی و جریانات منطقه ای از یکایک این گروه از نویسندگان دارد، قانون اساسی قابل تدوین که از بیانات تمهیدی ومقدماتی آن بر می آید که قانونی است مدرن، دینامیک و فراگیر، بایستی حق مدنی و آزادی های سیاسی اتباع کشور را حامل باشد و مشحون از روشهای مضبوط دیموکراتیک در زمینه فرهنگ، اجتماع، مطبوعات و حقوقهای متنوع افراد و اجتماع و تبیین وظایف دولت در برابر ملت باشد.

امید است تدوین این قانون، از نگارش اوامر و نواهی منجمد و کلیشه ای و از بایدها و نبایدهای خالی و متروک و حرمت ها و عدم حرمت های غیر امروزی وموروثی بپرهیزد و مدرن گرایی و امروزی اندیشیدن را در کار تدوین قانون، سرلوحه کار بزرگ خود قرار دهند.

دسید کرم ستونزه دې په وطني . . .

پاچا خان اوس هم له القاعدي او طالبانو سره په مبارزاتي کمپاین کي برخه لري چي دا یي یوه اقتصادي منبع هم ده ؛ نو کیداي شي چي له همدي امکاناتو څخه په ګټې اخستني سره په نظامي اقداماتو لاس پوري کړي.

دولت ته مو وړاندیز دي چي په ځینو سیموکي دشتو ستونزو د اواري لپاره له وطني دود دستورنه کار واخلي. توپك دحل لاره نه ده ، داچي پاچا خان ځدران دجهاد په وخت کي او هم له طالبانو سره په مقابل اړخ کي حضور درلود او بیا یي ورور د سرحداتو وزیر هم و ، نو دهغه له شتون څخه څوك انکار نه شي کولاي. نو ښایي چي له هغه سره پر یوه لاره لاړشي او هم هغه بهرني ځواکونوته چي سیمه کي له ترهګري سره په مبارزه کي اړم دي ، هغوي دي هم په خپلو اړیکو بیا کتنه وکړي چي ددغسي ستونزو د راپیدا کیدو مخه ونیول شي .

تظاهرات محصلان پوهنتون کابل ...

آقای غلام علی معاون امور محصلان پوهنتون این تظاهرات را به آن عده محصلین انستیتوت طب نسبت داد که به علت ناکامی در مضامین مختلف خواستار شانس سوم شده بودند. وی این تظاهرات را به علت شبانه بودنش سیاسی وتحریک آمیز خواند، هرچند عدم رسیدگی به امور محصلین ازطرف مسؤولین را نادیده نگرفت.

اما عدهٔ کثیری از محصلین شامل در این تظاهرات که خبرگزاری های خارجی وداخلی با ایشان مصاحبه هایی انجام داده اند این تظاهرات را غیر سیاسی خواندند و علت اساسی راه اندازی آن را نرسیدن غذا برای چندصد تن محصل در شبهای رمضان وانمود نمودند، که نه تنها مشکل غذا بلکه مشکل نبود برق درشب های رمضان و نبود کمپل با فرارسیدن موسم سرما وصدها مشکل دیگری بوده است که از مدت ها بدین سو مقامات مسؤول پوهنتون و وزارت را نیز در جریان قرار داده اند اما تا حال اجراآتی از طرف مسؤولین صورت نگرفته است سر انجام حین نرسیدن غذا درطول چند شب پیهم حساسات محصلین تحریک گردیده دست به تظاهرات زده اند.

گفتار فوق را فرید احمد یکی از محصلین برای خبرنگار ما بازگو نموده است همچنان حدود ده تن محصل در مصاحبه با رادیو بی بی سی نیز بر گفتار فوق صحه گذاشته اند.

به گفتهٔ یکی ازاستادان پوهنتون مشکل لیلیهٔ پوهنتون در حالی حل نمی شود که بانک جهانی مبلغ دو میلیون ودوصد هزار دلار برای بازسازی پوهنتون کمک نموده و همین اکنون مبلغ یکصدهزار دلار جهت مصارف عاجل لیلیهٔ مرکز ولیلیهٔ پولی تخنیک در بانک مرکزی کشور موجود است ، اما نبودن مدیریت فاجعهٔ دردناکی راببار آورد، درحالیکه درسالهای حکومت مجاهدین که جنگ وراکت پراگنی نیز به شدت دوام داشت وازکمکهای خارجی نیز اثری نبود مشکل آب و غذا ودیگر ضروریات اولیهٔ محصلین مرتباً حل می گردید.

هرچند تنش ها در پوهنتون کابل از ماه ها قبل ادامه داشته است چنانچه حینی که وزارت تحصیلات عالی مشکل محصلین افغان پوهنتون را حل نتوانست، آنها نیز تظاهراتی را راه انداختند که در تفاهم باوزیر داخله و پولیس محصلین از تظاهرات دست کشیدند. باردیگر احتجاج واعتراضات محصلین فاکولته ادبیات کابل وبه تعقیب آن عدم رسیدگی به امور غذا و آب و برق و کمپل و ... محصلین لیلیهٔ مرکز که همه و همه عدم توانایی مسؤولین وزارت وریاست پوهنتون را در قبال محصلین بیان می دارد زمینهٔ آن را فراهم کرد که یک بار دیگر سینه های جوانان محصل کشور را گلوله بشکافد.

مساعد ساختن زمینه قتل محصلین را در همچو شرایطی که کشور ما نیاز به جلب کمک های جهانی دارد- در حالیکه پرداخت این کمک ها نیز مشروط بر تعمیم دموکراسی خوانده شده است- به ذات خود یکی از موانع بازسازی کشور خواهد بود، خصوصاً اظهارات وزیر تحصیلات عالی مبنی بربستن لیلیهٔ پوهنتون و به حالت تعلیق درآمدن کمک های خارجی در صورت استعفایش ومتهم نمودن رهبران سازمانهای اسلامی در راه اندازی تظاهرات ، همه سخنانی است ضدارزشهای دیموکراسی، که نباید از آدرس وزارت تحصیلات عالی صادر شوند.

ازمجموع گزارش ها این نتیجه به دست می آید که این تظاهرات در اول بر اساس خواستن حق مشروع محصلین به راه افتاده است اما موجودیت عناصر وابسته به دشمنان در داخل صفوف مظاهره کنندگان از احتمال به دورنبوده که خواسته اند ازاین احساسات جوانان به نفع خود بهره جویی نمایند.

با آن که دفتر نمایندهٔ خاص دبیر کال سازمان ملل متحد در کابل و دیگر منابع خارجی وداخلی پولیس را به خاطر آتش کشودن بررخ محصلین محکوم نموده اند یا اینکه منابع دولتی راه اندازی تظاهرات را در شب و اخلال گرانه توصیف نموده اند، عامل اولی و اصلی به راه افتیدن تظاهرات عدم رسیدگی مسؤولین پوهنتون و وزیر تحصیلات عالی به امور محصلین می باشد، که باید مورد بازپرس قرار گیرند. ورنه دولتمردان به این نکته ملتفت باشند که گفته اند :

هرکه به تنگ آید به جنگ آید

اما باید گفت که محصلان تظاهر گننده بی تردید در این تظاهرات مرتکب اشتباهاتی گردیده اند؛ به راه انداختن تظاهرات در شب ، وآن هم به دنبال بمب گذاری در انستیتوت طب وهمزمان با سالروز سقوط طالبان ، ودست زدن به خشونت مسایلی است که زمینهٔ محکومیت انان را فراهم آورده است. اگر آنان چنین موارد را در نظر می گرفتند می توانستند خواسته های معقول شان را به گوش مقامات مسؤول برسانند و از عوارض این فاجعه به مقام خود وجایگاه دولت اجتناب ورزند.

مجلس ملی آذر بایجان:

سی تن از نیروهای آذربایجان به نیروهای آیساف در افغانستان می پیوندند

مجلس ملی آذر بایجان تصویب نموده است که سی تن از نیروهای نظامی آن کشور شامل نیروهای آیساف که در افغانستان فعالیت می نمایند، می شوند. هزینه این سربازان از جانب کشور ترکیه تأمین می گردد. این واحد نظامی قرار است هفتهٔ آینده وارد افغانستان گردد.

تمدیدخدمت نیروهای جرمنی برای یک سال دیگر درافغانستان

مجلس سفلی پارلمان جرمنی مدت بقای نیروهای جرمنی را که تعداد شان در افغانستان به ۱۲۰۰ تن می رسد، برای یکسال تمدید کرده است. این فیصله را پارلمان کشور جرمنی با بدست آوردن ۴۷۲ دربرابر یازده رأی، تصویب نمود.

مؤسسه (یو. ان. دی. پی) شصت وپنج ملیون دالر را به وزارت داخله کمک نمود

مؤسسه (یو. ان. دی . پی.) ۶۵ ملیون دالر امریکائی را به وزارت داخله افغانستان جهت رفع مشکلات پولی آن وزارت وباز سازی پولیس ملی کمک نموده است، آقای ارقال مراد نماینده مؤسسه و تاج محمد وردک وزیر داخله پیرامون نحوه مصرف پول متذکره گفتگو نمود ند.

نخست وزیر بریتانیا :

گروه القاعده حملاتی را در بریتا نیا به راه می اندازد

تونی بلیر نخست وزیر بریتا نیا هشدار داده است که سازمان القاعده حملات را در بریتا نیا انجام خواهد داد

وی درمورد چگونگی این حملات توضیح نداد او اظهار نمود که در گیریها در خاورمیانه باعث گردیده است تا تند روهای اسلامی تهدیدات خویش را بیشتر سازند، باید برای حل بحران خاورمیانه تلاشهای بیشتری صورت گیرد.

ازبیست ودو عقرب سالروز سقوط طالبان تجلیل بعمل آمد

نبرد حماسه آفرین و مقاومت دلیرانهء ملت افغان بود که طالبان مزدور را با حامیان تروریست شان به اضمحلال و نابودی کشانید. مطلب فوق را مارشال فهیم معاون اول دولت انتقالی و وزیر دفاع ملی در محفل اولین سالروز سقوط رژیم سیاه طالبان بیان داشت. این محفل در تالار وزارت امور داخله تدویر یافته بود. به گزارش خبرنگار هفته نامهء مجاهد در محفل، سخنرانان به ضرورت دفاع قاطعانهء مردم ما از تمامیت ارضی، استقلال و نوامیس ملی تماس گرفته اذعان داشتند که هیچ اهریمنی در هیچ مرحله یی از تاریخ نتوانسته است تا در دراز مدت در این مهد دلیران و حماسه آفرینان جای پای باز کند.

در محفل، پیام های شاه سابق وحامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان قرائت گردید که در آن از مقاومت دلیرانهء مردم افغانستان تمجید به عمل آمده و شکست و فرار طالبان یک حادثهء بزرگ در تاریخ معاصر کشور خوانده شده است.

در پیام رئیس دولت آمده است که و ملت ما با ایستادگی شان در مقابل متجاوزین اجنبی و تروریستان بین المللی ثابت ساختند که فرزندان غیور افغانستان در راه دفاع از آزادی و حفظ تمامیت ارضی و نوامیس ملی همچون نیاکان شان با نیروی تمام عمل می نمایند و نمی گذارند که وطن شان لانهء تروریستان و دشمنان گردد که نام اسلام را وسیله قرار دادند و مرتکب اعمالی شدند که با نام اسلام و انسانیت در تضاد بوده است.

در این محفل مارشال فهیم با تماس گرفتن بر موقعیت خاص جغرافیای کشور گفت: افغانستان پیوسته طمع مغرضین و اجانب بوده و آنها به منظور رسیدن به اهداف شوم شان همیشه کوشیده اند تا به هروسیلهء ممکن تسلط و حاکمیت استعماری شانرا بر ما تحمیل بدارند، ولی ملت ما با نبرد بی امان و مقاومت بی نظیر شان ثابت ساختند که تن به خواری و ذلت نمی دهند و دفاع از منافع علیای وطن و حفظ تمامیت ارضی شرط اول زند گی آنان است؛ چنانچه با عقب نشینی از کابل، فرزند صدیق کشور احمد شاه مسعود قهرمان، هسته های مقاومت را تشکیل نمود و با ایجاد جبهات متعدد علیه تروریستان واستیلاگران خارجی ایستاد گی کرد و نگذاشت که قامت رسای آزادی زیر بار استعمار گران خم گردد.

در این محفل استاد سیاف ضمن تقبیح طالبان گفت : وقتی که ما نظام اسلامی می گوییم در ذهن مردم باید نظام طالبان نیاید.

طالبان بزرگترین جرمی را که مرتکب شدند در برابر شریعت بود هر ناروایی را که کردند زیر چتر شریعت اسلامی کردند.

هم چنان محمد یونس قانونی با برجسته نمودن نقش مجاهدین در دوران جهاد ومقاومت ونکوهش طالبان گفت:

۲۲ عقرب روز پیروزی شما ملت مجاهد و مقاوم افغانستان را بر نیرو های جهل و تروریزم مبارکباد می گویم . وافتخار برشما ملت افغانستان که در استمرار خط جهاد ومقاومت سر انجام به شکست ذلیلانهٔ نیروهای توحش وتروریزم در افغانستان موفق شدید.

طالب ها پدیدهٔ افغانی ومتعلق به افغانها نبه بلکه مولود استراتیژی صوبه سازی افغانستان بودند.

طالب ها در افغانستان به هیچ قوم ودین وسمت ومذهبی تعلق نداشتند.

استاد خلیلی معاون دولت انتقالی اسلامی افغانستان نیز با تماس روی قضایای جاری درکشور وضرورت همبستگی گفت: مابابد فرهنگ تحمل داشته باشیم تا بتوانیم کشور را به مرحلهٔ ثبات وآبادانی برسانیم.

در اخیر حضرت صبغت الله مجددی ضمن دعائیه گفت: مقاومت شما ملت قهرمان به رهبری مسعود بزرگ بود که کشور را ازتسلط بیگانگان نجات د اد.

در محفل همچنان اشتراک کنندگان با شور و هلهلهء خاص احساسات شان را نسبت به سقوط طالبان و آمدن امنیت و آرامش و پیروزی مقاومت و کار نامه های ماندگار شهید احمد شاه مسعود قهرمان که پیوسته در سکوی افتخارات قرار داشت تبارز میدادند.

گفت،نی است که ۲۲ عقرب سال ۱۳۸۱ به مثابهء یکی از بزرگترین رویدادهای تاریخی در کشور است که به تراژیدی رژیم طالبان نقطهء پایان داد و نیروهای مقاومت با در نوردیدن کوهپایه های هندوکش باردیگر صلح و آرامش و طلیعهء آزادی و دموکراسی را به ملت عذاب دیده افغانستان به ارمغان آوردند.

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضاي خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه‌خدا ا ز علي‌ترين آرزوهاي‌ملت

دور ششم – سال اول – شماره سوم – دوشنبه ۲۷ عقرب ۱۳۸۱ – ۱۳ رمضان المبارک ۱۴۲۳ – ۱۸ November 2002

تظاهرات محصلان پوهنتون کابل یک توطئه یا یک فاجعه؟



شام دوشنبه ۲۰ عقرب عدهٔ کثیری از محصلان پوهنتون کابل که بیشتر آنان در لیلیهٔ مرکز سکونت دارند ضمن راه اندازی تظاهرات وسر دادن شعار هایی برضد وزیر تحصیلات عالی و رئیس پوهنتون کابل ومسؤولین لیلیهٔ مرکز به سوی شهر به راه پیمایی پرداختند ، که به گفتهٔ خود شان می خواستند صدای اعتراض خود را به گوش آقای حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان ودیگر مسؤولین برسانند.

اما نیروهای پولیس به دلایل امنیتی در منطقه دهمزنگ مانع پیشروی محصلین به داخل شهر گردیدند که در نتیجه میان نیروهای پولیس و محصلین درگیری صورت گرفت محصلین با پرتاب سنگ به سوی پولیس خواهان گشودن راه به سوی شهر بودند. در مقابل با شلیک مرمی ازسوی



نیروهای پولیس به رخ محصلین چند محصل کشته و چند تن دیگر زخمی و عده یی دستگیر و بقیه متلاشی گردیدند.

روز بعد (سه شنبه) باردیگر ابتدا محصلین اجتماع بزرگی را در صحن پوهنتون کابل تشکیل دادند و بعداً مظاهره کنان به سوی شهر در حرکت شدند، این بار محصلین بر علاوهٔ سردادن شعار برضد وزیر تحصیلات عالی و رئیس پوهنتون خواهان به محاکمه کشاند عاملین قتل وضرب وشتم محصلین نیز بودند، نیروهای پولیس با استفاده ازماشین آب پاش وفیر های هوایی و در اخیر با لت وکوب محصلین توانست تظاهرات را از هم بپاشد.

دربارهٔ علل واسباب این تظاهرات نظریات متفاوتی ازطرف تظاهرات کننده گان ونیروهای پولیس و رئیس پوهنتون ووزیر تحصیلات عالی و رسانه ها ومنابع خارجی ابراز گردیده است پولیس این تظاهرات را اخلال امنیت وانمود ساخته ضمناً از به دست آوردن اسلحهٔ ناریه وجارحه واسناد ارتباط برخی از محصلین تظاهر کنده با سپاه صحابه وحزب المجاهدین وحرکت النصار پاکستان یادآور گردیدند آقای جنرال هلال معین وزارت داخله راه اندازی این تظاهرات را از سوی مخالفین دولت انتقالی دانست ودر مصاحبهٔ یی با بی بی سی یادآور گردید که مظاهره کنند گان شعار زنده باد اسامه را نیزسر داده اند.

وزیر تحصیلات عالی نیز این تظاهرات را درمصاحب با رادیوی آزادی یک توطئه ضد دولتی و ضد ارگانهای علمی دانسته ودر مورد آن ضمن اخطار به مسدود نمودن لیلیهٔ مرکز وپوهنتون در صورت دوام اعتراض محصلین راه اندازی این تظاهرات را به رهبران سازمانهای اسلامی نسبت داد و گفت: رهبران سازمانهای اسلامی می خواهند افکار شان را ازطریق محصلان پوهنتون بیان دارند.

وباحضور درجمعی ازمحصلین یک باردیگر بر بی طرفی محصلان پوهنتون درمسایل سیاسی، دینی وسازمانی اصرار ورزید. ص۷

از نامه های آمده

برق کابل بیشتر آشناي ثروتمندان است تامستمندان!

به اداره محترم هفته نامه مجاهد! السلام علیکم :

نخست بهروزی تان را خواهانم و امید وارم این نشریه باز گو کننده وانعکاس دهنده واقعیت های جامعه و مردم ما بوده باشد. وبعد:

نامه ای را در ارتباط وزارت آب و برق خدمت تان ارسال داشتم که نشر آن خالی از سود نخواهد بود.

در کشور ما که نسبت در گیری ها وجنگ ها ی دراز مدت به شمول برق اکثر فابریکه ها و مؤسسات عام المنفعه صدمه دیده و مملکت به اقتصاد ویران روبرواست، ما حرفی نداریم که چرا وزارت آب و برق به تنویرمنازل همه شهروندان درهمه اوقات اقدام نمی کند.

اما دیده می‌شود که یک بام و دو هوا وجود دارد، یک تعداد دوایر دولتی و بزرگان که برق ۲۴ ساعته دارند مردم حرفی ندارند وپای شان را از گلیم شان هم نباید دراز کنند!

اما تعداد آنانی که ۲۴ ساعت برق دارند کم نیست واین درحالی است که در جوار شان اشخاصی که توان روشن کردن تیل چراغ را ندارند، هم کم نیستند مسؤولین وخصوصاً مسوولین وزارت برق چه جواب به مردم دارند؟ واین مسأله یک بام و چندهوا راچه توجیه می کنند؟

ملت همه بدون امتیازبه مثابهٔ افراد یک خانواده اند، و دارای حقوق مساوی ، من در بلاکهای تهیه مسکن زندگی می کنم در حالی همه ساحه را فرورفته در تاریکی می بینم خانه هایی زیاد را نیز می بینم که روشن هستند وشمار شان هم کم نیست، بعضی ها برایم گفتند می دانی چگونه می شودکه دارای برق همیشگی شوی؟ گفتم: نی. گفت: برادر چهل لک افغانی به کار است و بس. من یقین دارم آنانی برق همیشگی دارند همه قدرتمند و کارمند بلند پایهٔ دولت نیستند که از مقام شان استفاده کرده باشند به یقین در میان آنان کسانی هستند که از قدرت پول در داشتن برق دایمی سود می برند آیا مسوولان وزارت برق اگر از عدم تأمین عدالت بیمی ندارند ، از بدی آشکار این کارهم خجالت نمی کشند؟!

گذشته از این، ما ه مبارک رمضان که باید درآن همه تدابیر جهت سهولت روزه داران مهیا شود، هیچ اقدامی درست از سوی وزارت برق برای رمضان گرفته نشده است، به ویژه برای سحری ، در سحری برق غالباً پس از ساعت سه شب می آید وپیش از ساعت پنج قطع می شود، یعنی باید مردم سحری را در تاریکی تناول کنند ودر تاریکی نماز بگذارند. در حالی که در همه کشور های اسلامی برای رمضان آماده گی های ویژه یی می گیرند.

همایون از تهیه مسکن

عراق به قطعنامهٔ شورای امنیت گردن نهاد

سر انجام بعد از مذاکرات طولانی وخسته کن میان اعضای شورای امنیت و وعدوعید های تهدید آمیز، شورای امنیت قطعنامهٔ تعدیل شدهٔ ایالات متحده امریکا را با اتفاق آرا تصویب نمود. به موجب قطعنامه ۱۴۴۱ شورای امنیت در ظرف یک هفته باید دولت عراق موافقت بدون شرط وقید خودرا به آن اعلان نماید وبه مفتشین سازمان ملل متحد اجازه بازگشت و تفتیش غیر مترقبه هشت کاخ ریاست جمهوری و دیگر مناطق مشکوک را بدهد و سرراه آنها هیچ ممانعتی ایجاد کند همچنان عراق مکلف است لست مکمل سلاح کشتار جمعی خویش را در اختیار هیأت بررسی ملل متحد بگذارد.

عراق بارها از موجودیت سلاح های کشتار دست جمعی انکار کرده و آنرا بهانه و دست آویز کشور های غربی به ویژه ایالات متحدهٔ امریکا دانسته است.

پارلمان عراق بعد از بحث یک روزه که مستقیماً از طریق تلویزیون آن کشور نشر گردید به اتفاق آرا قطعنامهٔ شورای امنیت را غیر عادلانه و مستبدانه خوانده وبا وجود مشوره عدي فرزند ارشد صدام حسین مبنی بر پذیر ش قطعنامه آن را رد کرد و به صدام حسین و شورای انقلابی صلاحیت پذیرش وعدم پذیرش قطعنامه را داد. این اقدام پارلمان از سوی عده یی از تحلیل گران یک ترفند سیاسی واشاره از بالا توصیف گردیده است

همان طوری که انتظار میرفت سفیر عراق در ملل متحد نامه شش صفحه یی وزارت خارجه کشور خودرا تسلیم کوفی عنان سرمنشی ملل متحد نمود که در آن موافقت بدون قید وشرط عراق اعلان گردیده است که بر پایه آن اکنون زمینه برای باز گشت مفتشین ملل متحد برای روز دوشنبه مساعد شد است.

ضرب الأجل اول عملی گردید وضر ب الاجل دوم هشتم ماه دسامبر تعیین گردیده است. صدام حسین رئیس جمهوری عراق مکلف است تا آن تاریخ لست مکمل سلاح های شیمیایی و میکروبی و پلاستکی ودیگر سلاحهای کشنده خویش را در اختیار هیأت بررسی ملل متحد قرار دهد ودر از بین بردن آن همکاری همه جانبه نماید و درغیر آن با عملیات نظامی امریکا و انگلیس مواجه خواهد شد وهمچنان اگر عراق در راه بررسی ممانعت ایجاد نماید، مورد حملهٔ نظامی قرار خواهد گرفت.

از همین اکنون دولت انگلیس پانزده هزار سرباز احتیاط را به خدمت فراخوانده و پروسهٔ گسیل سربازوسازوبرگ نظامی به منطقه ، غرض تقویت قوای پیشین خود را آغاز کرده است.

از آغاز تهاجم عراق به کویت در سال ۱۹۹۰م و تعقیب آن کشور به واسطهٔ عملیات کشور های غربی، سازمان ملل متحد تا کنون تحریمات اقتصادی همه جانبه را علیه عراق وضع نموده است که باعث ورشکستگی اقتصادی وبیکاری مردم گردیده است.

باوجود تصویب قطعنامهٔ شورای امنیت وپذیرش آن از سوی صدام حسین، تا هنوز بیم یک جنگ ویران گر دیگر در منطقه وجود دارد و هر لحظه امکان دارد مقامات بغداد از کار مفتشین سازمان ملل متحد جلوگیری نمایند وبهانه یی به دست امریکا و انگلیس بدهند تا بدون تصویب شورای امنیت، عراق را مورد حمله قراردهند. پیش بینی ها نشان می هد در صورت بروز جنگ و استفاده از اسلحهٔ متعارف در حدود دو هزار نفر به هلاکت می رسد واگر سلاح هسته یی استعمال شود رقم قربانیان جنگ به چهار میلیون نفر خواهد رسید.

مجتبی مهرورز